

تبارشناسی

اعراب مهاجر فارس

طایفه ابومحمّدی

(جلد اول تیره جان احمدی)

بمھادر خسروانیان

سرشناسه	: خسروانیان، بهادر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: تبارشناسی اعراب مهاجر فارس: طایفه ابومحمدی / بهادر خسروانیان.
مشخصات نشر	: شیراز: فرهنگستان ادب، -۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ج: مصور، عکس.
شابک	: ج. ۹۱-۸۳-۷۶۱۸-۶۲۲-۹۷۸ : 978-622-7618-83-91
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
مندرجات	: ج. ۱. تیره جان احمدی
عنوان دیگر	: طایفه ابومحمدی.
موضوع	: ابومحمدی (قوم عرب) (Abu Mohammadi (Arab people اعراب — ایران — فارس -- FarsArabs -- Iran
رده بندی کنگره	: DSR۷۳
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۹۸۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۴۰۰۰۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: ۸۷۴۰۰۰۰

شیراز خیابان زند - پاساژ فرجادیان طبقه اول پلاک ۱۸۰ - کد پستی: ۷۵۵۴۳-۷۱۳۵۶

شماره تلفن: ۰۹۱۷۰۸۸۳۳۹۳-

Email: Farhangestaneadab@gmail.com

□□□

تبارشناسی اعراب مهاجر فارس

بهادر خسروانیان

□□□

نوبت و سال چاپ: اول ۱۴۰۰ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۸۳-۷۶۱۸-۶۲۲-۹۷۸ / سایز: رقعی

طرح جلد: بهادر خسروانیان / صفحه آرا: اطلس دهقانی

چاپ و صحافی: سمن / قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

□□□

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگ (سول خدا) ص و نیای بزرگ اعراب مهاجر «فارس».....	۹
کلانترهای طایفه ابومحمدی	۱۱
شجره‌نامه اعراب مهاجر به فارس	۱۲
شجره‌نامه تیره جان احمدی از طایفه ابومحمدی	۱۳
افراد و قشرهای تحصیل کرده تیره جان احمدی	۳۹
الف: فرهنگیان	۳۹
ب: کارمندان	۳۹
ج: نظامیان	۴۰
د: تحصیلات عالیه	۴۱
هـ: تصاویر بزرگان و ریش سفیدان تیره جان احمدی	۴۱
تصاویر	۴۱

تبارشناسی اعراب مهاجر فارس

«طایفه ابومحمدی - تبرم جان احمدی»

مقدمه

سال‌های ۱۲ تا ۲۲ هـ.ق اتفاقات مهمی در تاریخ کشور ما رقم خورد که نقش تعیین‌کننده در کشورمان داشته است. ربیع‌الاول سال ۱۲ هـ.ق فرمانده سپاه اعراب مسلمان خالد بن ولید بعد از درگیری‌های فراوان با سرزبان ایرانی شهر حیره را تصرف کرد. شهر حیره پایتخت باستانی عراق که در تصرف ساسانی‌ها بود، از پایگاه‌ها و دژهای مهم در برابر هجوم اعراب به شمار می‌رفت. شهرهای حیره ویران و مصالح مستحکم آن برای ساخت منازل در کوفه استفاده شد. شهر حیره در زمان هجوم اعراب مسلمان قریب پنجاه هزار نفر جمعیت داشته است. در نامه رستم فرخزاد فرمانده سپاه ایران به حاکم حیره، مردم آن سامان متهم به همکاری با اعراب در فتح شهر شده‌اند و این نشانه تمایل ایرانیان به قبول اسلام و به طریق اولی نارضایتی از حاکمان ظالم ساسانی است که در طول ۱۰ سال فتح ایران، این روند پذیرش اسلام و کمک به فتح سنگر به سنگر و شهر به شهر ایران استمرار یافت و عامل مهم و اساسی فتح ایران است.

یزدگرد سوم با از دست دادن حیره به وحشت افتاد و تصمیم به مقابله جدی با

اعراب گرفت. نبرد بعدی اعراب با ایرانیان ۲ سال بعد یعنی در سال ۱۴ هـ ق اتفاق افتاد. در این نبرد اعراب مسلمان به فرماندهی ابو عبید ثقفی در جنگ جسر «پل» علیرغم رشادت‌های فراوان شکست خوردند، در این نبرد ۴ هزار مسلمان کشته شدند. یک سال بعد در سال ۱۵ هـ ق سپاه دیگری به فرماندهی مثنی بن حارثه به جنگ ایرانی‌ها آمد و این بار سپاه ایران به فرماندهی مهران بن مهران بن مهران به مقابله اعراب رفت و در جنگ موسوم به بُؤبُ ایرانیان شکست خوردند. در سال ۱۶ هـ ق یزدگرد تصمیم گرفت کار اعراب مهاجم را یکسره کند. فلذا فرمانده مشهور خود را که رستم فرخزاد نام داشت و فرمانده سپاه آذربایجان را به سپاهی عظیم که هفت برابر اعراب بودند به میدان فرستاد.

خلیفه دوم عمر بن خطاب نیز سپاه خود را به فرماندهی سعد بن ابی وقاص تقویت کرد. این نبرد بزرگ در منطقه موسوم به قادسیه در نزدیکی کوفه رخ داد و در کمال ناباوری، سپاه ساسانی شکست سختی خورد و رستم فرخزاد کشته شد. لذا به دنبال این شکست یزدگرد سوم پادشاه ساسانی از مقر حکومتی خود یعنی تیسفون فرار کرد و این شهر را در مقابل مهاجمان عرب بی دفاع گذاشت. اعراب بعد از این پیروزی، شهرهای مدائن که ده شهر بزرگ و آباد در ۳۰ کیلومتری جنوب شرق بغداد بود را یکی بعد از دیگری در کرانه‌های دجله تصرف کردند.

با تصرف تیسفون پایتخت ثروتمند ساسانی، غنایم بی‌شماری از کاخ‌های کسری که ۹۰۰ میلیون درهم تخمین زده می‌شد، به دست اعراب مسلمان افتاد.

یزدگرد با فرار از تیسفون، سعی کرد که با گردآوری سپاهی جلوی پیشروی اعراب را بگیرد. فلذا یک بار دیگر در منطقه جلولا «نزدیکی خانقین امروزی»، شانس خود را امتحان کرد و سپاهی را به فرماندهی مهران رازی به مقابله با اعراب فرستاد و برای چندمین بار شکست خورد و به مناطق مرکزی و شرق ایران عقب نشست و در دهی مستقر شد. این پیشروی‌های حیرت‌آور، نتیجه دو عامل بود: ۱- سیل

عظیم اعراب تازه مسلمان و مهاجر از مناطق جزیره العرب، به سوی ایران. ۲- نارضایتی ایرانیان از ساسانی‌ها و همکاری آنان با اعراب مسلمان.

در ادامه، فتوحات اعراب مسلمان در یک مقطع محدود چند ساله به کندی پیش رفت و دلیل آن، مقاومت‌های سرسختانه‌ی هرمزان حاکم ساسانی در خوزستان بود که تا سال ۲۱ هـ.ق فتح شهرهای اهواز و شوشتر را به تأخیر انداخت و بالاخره یزدگرد برای آخرین بار با استمداد از نواحی شرق و مرکز ایران در سال ۲۲ هـ.ق، سپاه عظیمی را به منطقه نیاورد «همدان امروزی» برای مقابله با اعراب اعزام کرد که نبرد سختی در گرفت و سپاه ساسانی برای آخرین بار شکست خورد و مسلمانان با تلفات بی‌شمار، این جنگ را فتح‌الفتوح نامیدند. یزدگرد به مرو گریخت و شهرها و مناطق ایران یکی بعد از دیگری به تصرف مسلمین درآمدند.

با تصرف تدریجی بقیه مناطق ایران، مهاجرت گسترده اعراب به ایران فزونی یافت. وفور نعمت و آب فراوان و حاصلخیزی فلات ایران، زمینه‌ی مساعدی برای مهاجرت اعرابی که به سختی در سرزمین بی‌آب و علف جزیره العرب امرار معاش می‌کردند، فراهم نمود. با این مقدمه به درستی معلوم نیست که جناب جبار انصاری، از نواده‌های جابر بن عبدالله انصاری و از اهالی مدینه در کدام مقطع تاریخی به سرزمین ایران و فارس مهاجرت کرده است. اما احتمال می‌دهیم که در قرن اول هجری این مهاجرت تاریخی شکل گرفته باشد. هر چند که خود جابر بن عبدالله انصاری تا ۵۷ سال بعد از فتح ایران، توسط اعراب، در مدینه در قید حیات بوده است و معلوم نیست که جناب جبار با فرزند خود «جابر» مهاجرت کرده یا خیر؟

اما در هر صورت شیخ جناح فرزند جابر و نوهی جناب جبار، پسری به نام محمد داشته است که در واقع جد اعراب ابومحمدی محسوب می‌شود و این اعراب به نام ابومحمدی معروف بوده که به مرور زمان به لبومحمدی مشهور شده‌اند. البته شیخ

جناح فرزندان دیگری هم داشته که سایر اعراب فارس از نسل او هستند.

اما جناب محمد بن جناح بن جابر بن عبدالله انصاری دو پسر به نام‌های صباح و ملاحسین داشته که از صباح تیره‌های صباحی و از ملاحسین پسران: ۱- خان احمد ۲- جان احمد ۳- صفر ۴- پیر احمد ۵- عبدالحسن ۶- ابوالحسن ۷- محمد کریم به دنیا آمده‌اند که امروزه اولاد خان احمدی، جان احمدی، صفری، پیر احمدی، عبدالحسینی، ابوالحسنی و محمد کریمی از نسل آنان باقی است که به یاری خداوند در ۷ دفتر آخرین نسل آنان را معرفی خواهیم کرد.

طایفه ابومحمدی تا اواخر دوره قاجاری از بزرگ‌ترین طوایف ایل عرب جباره بوده‌اند که زندگی کوچ روی داشته و از این دوره به بعد به تدریج در مناطق شمالی و جنوبی فارس ساکن شده‌اند و زندگی یک‌جانشینی و پراکندگی آن‌ها، یک نوع بی‌خبری از سرنوشت یکدیگر را رقم زده است. البته ایل عرب جباره به دلیل این که مهاجرین مسلمان و اصیل و از نسل صحابی معروف رسول خدا(ص) از سرزمین وحی در عربستان بوده‌اند، هیچ‌گونه سنخیتی با سایر ایلات خمسه مثل ترک‌زبانان اینانلو، بهارلو، نفر و ایل فارسی زبان باصری ندارد و شان و اصالت مذهبی و تاریخی خود را اجل از آن‌ها می‌داند و این همبستگی بی‌موردی بوده که در سال ۱۲۳۵ هـ.ش در حکومت قاجاریه، آن هم بنا به مصالح و ملاحظات سیاسی و امنیتی و در راستای توازن قوای ایلات عشایر موصوف در مقابل ایل قشقایی صورت گرفته است. در پایان از همکاری همه عزیزان به ویژه برادر حاج جعفر خسروانیان که در جمع‌آوری تصاویر بزرگان، سرکار خانم شمسی خسروانیان و برادر کربلایی غلامحسین خسروانیان در جمع‌آوری اطلاعات و آمار صمیمانه تقدیر و سپاسگزاری می‌نمایم.

«انه ولی التوفیق»

بهادر خسروانیان

آذرماه ۹۷- قادرآباد فارس